



ترجمه محمد کریم خان

طفل غیر طبیعی

بک ادیب سویدی گفته بود « قرن بیست قرن اطفال است » این پیش گوئی
اوماهبت حقیقی را بخود گرفت طوریکه امروز ملاحظه می شود ، اطفال شخصیت
واهمیت خو بی را حائز شده اند ، چه هر شخص در تربیه و تعلیم آنها خیلی کوشان
است . وردزورت (Wordsworth) اطفال را پد رهای مسعود آینده خطاب نموده .
حقیقت این مطلب را علمای روحیات مانند Fr end ، و غیره تجسس نمود در راه های متعددی
بازو اساس متینی را گذاشته اند . این متجسین از نقطه نظر روحیات شش سال اول
طفل را دوره ابتدائی او میدانند یعنی چیزی را که تعاقب می کند نسبتاً ساده ، ثبات
و تعمق در آن کم مشاهده می شود ترقی حس تمیز و ذوق ازین زمان نشأت میکنند .
نظر بقرار و نظر به این علما ، تربیه و تعلیم طفل باید ازین حدود شروع شود نا گفته
نماند که اگر ما در تربیه و تعلیم طفل بخو بی متوجه شویم گویا غلط نمکرده
افراد آینده خود را تربیه و اصلاح نموده ایم .

از تریبه های خانگی از قدیم که تا حال مروج است منصرف شدن لازم است . اصول و اساساتی را که فیزیولوژی و روحیات را جمع به تریبه اطفال به دسترس ما گذاشته استفاد بنمائیم .

نخست طفل تا پنج سالگی مورد احتیاط باید قرار بگیرد . تا نموی کامل و صحت خوبی داشته باشد لذا مادر باید تکران اوضاع طفل بوده به بیند که صحت طفل چنان است ؟ وزن بدن و طول قامت او چطور زیاد میشود ؟ طعام و لباس وی در کدام وقت چه قسم لازم و مناسب است . ساعات خواب ، بیداری و هواخوری طفل با بست در تحت یک پروگرام صحیح گرفته شود . لکن تنها مراقبت حیات فزینی طفل کافی نبوده لازم است حیات حسی و عقلی او بصورت خوبی انکشاف نموده سعی نمایند تا جنبه اخلاقی و اجتماعی او نظر باقتضای محیط بصورت صحیح محافظه شود . میدانیم اسباب بازی اثر زیادی بر افکار اجتماعی و ادراکی طفل می اندازد . از افراد طفل را از چیزهای پست و مذمومی که به حیات آینده او صدمه و یا لکه وارد میکنند باز باید داشت بچیز هائی طفل مشغول ساخته شود که در قوه آذ را کیه و ذاهنیه او بیفزاید : طفلی که تحت این شرائط معین نمو کند طفل طبیعی (نارمل) است . ^{شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی} ^{پستال جامع علوم انسانی}

طفل به آزادی و خود خواهی عادی بوده اجتماع پسند می باشد به هر طریقی که رجوع نماید اخلاق و عادات همان طرف را کسب می کند . پس لازم است اشخاصی را که در زمینه اخلاقی پیشرفته اند ماخذ تقلید طفل قرار داد .

گرستو فرروبن در یک غزل خود را جمع به آزادی طفل چنین میگوید : « طفل بدو بدن و لهو و لعب مائل بوده و مداخله جزئی حرکتی که بر علیه آزادی او واقع شود باعث نفرت او میگردد » .



طفل اشیائی را که در حیات روزانه خود می بیند در اطراف آن تعمق نموده ، سوالات زیبا دی در آن موضوع می نماید . ازینرو اسباب بازی طفل باید يك منبع ذخائر معلومات مفیده برای او شود تا قوای دماغی او صرف چیز های بی معنی و خارج از استفاده نگردد . طبیعت و افسانه های آن نیز اطفال را متوجه می سازد چنانچه سستی يك عالم روحیات می گوید « طفلیکه به افسانه های طبیعت متوجه و عمیق

شده گوش میدهد ، این طفل بلا اراده زیر اثر خوبی طبیعت واقع شده سلیقه خوبی را

در لسان و حرکات صاحب شده قوه انصاف و تمیز آن ترقی می کند . همین قسم سپورت و بازی های اجتماعی محیط که طفل در آن حصه میگیرد اثر میکنند .

تشریحاتی که داده شد تماماً دربارهٔ طفل طبیعی بود . حالا راجع به طفل غیر طبیعی (آنور مال) چه فکر و دارید ؟ طفل غیر طبیعی آن طفلی است که در اوصاف و عادات طفل نارمل (طبیعی) دیده نمی شود و با سلسله ارتباط حلقه های زنجیر اوصاف او از هم گسیخته است . طفلی که متصف به این صفت است قوه دماغی و فزونی او حمایه نشده از حالت طبیعی به طرف مثبت و یا منفی منحرف شده است . اینگونه اطفال

خواه بصورت مجرم ، فاسد اخلاق ، خودخواه و یا بصورت ناقص مثل کور ، کر فالج ، فقر الدم سفیه و کم عقل در جامعه بوجود می آیند . اولاً اطفالی را که ضعف اخلاقی دارند ملاحظه میکنیم می بینیم که این قبیل اطفال در حسن اخلاق ناقص بوده از بد اخلاقی هائیکه مرتکب می شوند ندامت نمیکنند . این اوضاع

ناگوار طفل همانا از سبب وراثت ، دماغ ناقص و محیط نامناسب او میباشد . اگر این نوائلات طفل در موقع آن اصلاح و ممانعت نشود طفل بد اخلاق ، عاطل ، مفسد و جانی می شود . ضرور است زمانیکه اگر اندکی انحراف در قوای ذهنیه و با اخلاق طفل ملاحظه شود به هر طوریکه ممکن باشد طفل تحت کنترول گرفته شود یعنی این مراقبت و وظیفه معلم ، والدین ، دا کتر و عالم روحیات میباشد . از همه اولتر علالت و مرضیکه در وجود طفل موجود باشد علاج کرده شود تا طفل باصحت بوده مستعد هر گونه فعالیت و کار باشد . بعد از مشاهده علالت طفل درجه ذکای طفل را تعیین کرده نظر به ذکات طفل به یک شعبه تحصیل مصروف ساخته شود . علاوه ذکای طفل موقعیت و وضعیت خانوادگی طفل نیز مدنظر گرفته شود . چه والدین ضعیف و کم عقل اطفال خود را به تحت فشار گرفته تربیه می کنند و یا طفل را آزاد گذاشته هر طرفیکه میروند جلو گیری نکرده و یا بمرضی فرزندان خود اهمیتی نمیدهند . خیر بهر صورت وضعیت خانوادگی او را فهمیده در اصلاح آن باید کوشید .

پروشگاه علوم انسانی و مطالعات تربیتی

مشغول شدن تنها به چیز های تغییر حاطه یعنی که در صفحه اخلاقی او دیده میشود کافی نبوده نباید از حیات فزبکی و بی انتظامی جسمی طفل بیخبر ماند ، چه در ارتقصان قوای فزبکی طفل طول قامت ، وزن و نمو بطرز صحیح نبوده و یا دچار امراض عصبی و عقلی مانند درد سر ، ضعف اعصاب و جنون و غیره میباشد . اگر به سبب و علت این بی انتظامی ها مشغول شویم گویا خارج موضوع نشده ایم . مثلاً والدینیکه گرفتار تسمم الکلی و یا دچار امراض عصبی و عقلی اندارناً به فرزندان آنها میرسد با اینهم می توان در اول مرحله این عوامل را که علت بی انتظامی طفل در حیات می شود و او را بهمان طرف میکشاند نجات داد . بهمین طریق امراض

عصبی که سبب آن اکثراً عدم کنترل حرکات طفل بوده نخست قابل علاج و بعدها وخیم شده بی علاج میگردد ازینرو اطفالیکه باین گونه امراض دچار اند باید تماماً بقرار هدایت و اکتز رفتار نموده از هر گونه فشار جلو گیری شود. اگرچه امروز خوشبختانه مقوله قدما که گفته اند «سرف نظر کردن از چوب طفل واضائع کردن است» از میان رفته و در ساحت علمای روحیات امروزه وجود ندارد اما امروز چیزیکه زیاده تر طفل ضرورت دارد آزادی حرکات، بیان و تهیه بعضی خوش قسمتی ها درین زمینه است.

طفلیکه مبتلا به ضعف اعصاب است اکثراً گرفتار سردردی، بیخوابی و بزودی بوده دچار امراض میگردد. تقسیم این امراض موروثی و یا از فشارهای مکرر بالای طفل عارض می شود، همانا علاج جسمانی و دماغی او ضرور است. این قبیل اطفال به استراحت زیاده تر احتیاج داشته به تمت کنترل اشخاصیکه به این امراض اختصاص دارند گرفته شده به اطفالیکه به سیورت زیاده تر شوق دارند مخلوط شده در این زمینه مصروف ساخته شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اطفالیکه دچار امراض دماغی اند متعدد بوده مانند طفل کاهل، طفل عقب مانده و ناقص عقل و غیره میباشد. طفل عقب مانده عبارت از همان طفلی است که قوای عقلی و دماغی او از اثر کدام مرضی و با عوامل دیگری انکشاف نکرده باشد و ازینها پستر اطفال ضعیف القلب و ابله اند. این گونه امراض نه تنها ضرر جسمانی به طفل تولید می کند بلکه قوه ناطقه طفل هم صدمه وارد نموده حافظه ضعیف میداشته باشد.

و اروپا مکاتب متعدده برای اطفال ضعیف العقل و یا دچار امراض عصبی اند از قوای دماغی و فکری خود کار بگیرند باز شده برای امور زراعت و عملیات جات در بنامها تربیه میشوند. هکذا برای کورها، کرها و گنگها و غیره.

مکاتب مخصوص باز و تخصیص داده شده است .

غیر طبیعی بودن در طفل خواه از نقطه نظر قوای جسمانی (فیزیکی) و دماغی و خواه طفل در طرف مثبت و منفی اخلاق واقع شده باشد هر قدر زودتر و اولتر والدین ، معلم ، عالم و حیات معاونت و موسسه هائیکه به این وظیفه موظف اند به علاج آنها بپردازند تا این نقصانات از آنها رفع گردید . عضو مفید جامعه محسوب شوند .



طالعات فراگنی

علوم انسانی